

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
دوره ۱۵، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، صفحات: ۴۷-۶۴  
مقاله علمی پژوهشی

## تبیین رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل)

\* مهدی محمدزاده راوندی

\*\* حجت مهکویی

\*\*\* حمید صابری

### چکیده

مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل از چه الگوی فضایی پیروی می‌کند؟ با توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر مشارکت سیاسی، پرسش‌نامه‌ای تهیه و بین ۸۷۰ نفر از شهروندان این دو شهرستان توزیع گردید. متغیرهای مستقل در این پژوهش، جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته، مشارکت سیاسی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از آمار توصیفی و آمار استنباطی و نرم‌افزار spss استفاده شده است. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که هرچه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و جامعه‌پذیری سیاسی از ۷/۲ به ۲۶/۹ و سرمایه اجتماعی از ۱۳/۴ در حد کم به ۲۳ درصد در حد زیاد افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $(r=0/195)$  و  $(sig=0/000)$  و بین جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی نیز همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $(r=0/344)$  و  $(sig=0/000)$  مورد تأیید قرار گرفته و رابطه معناداری وجود دارد. از منظر مطالعه تطبیقی، یافته‌های پژوهش بین دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل نشان می‌دهد که شهروندان شهرستان آران و بیدگل از مشارکت سیاسی بالاتری برخوردارند.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت سیاسی، انتخابات، الگوی فضایی مشارکت، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی.

\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / mahdi\_ravandi@yahoo.com

\*\* استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) /

hojat\_59\_m@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / Hamidsaberi2000@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

تبیین رابطه  
جامعه‌پذیری سیاسی  
و سرمایه اجتماعی با  
مشارکت سیاسی شهروندان



## ۱. مقدمه

امروزه اساس حرکت نظام‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، بر مشارکت<sup>۱</sup> مردم در عرصه‌های مختلف آن نظام استوار است، تا آنجا که هراندازه میزان مشارکت بخصوص در حوزه‌های سیاسی افزایش یابد، اعتبار و قدرت سیاسی نظام در عرصه‌های بین‌المللی افزایش می‌یابد و پشتوانه‌ای برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده دولتمردان می‌باشد. از مهم‌ترین انواع مشارکت در جامعه، مشارکت سیاسی است که رابطه‌ای تنگاتنگ با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و به‌میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه‌ای است. مشارکت سیاسی عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر، که برای اثرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا برگزیدن رهبران سیاسی در سطوح محلی یا ملی به‌صورت قانونی یا غیرقانونی به کار می‌رود (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). یکی از عوامل مهمی که بر روی مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، جامعه‌پذیری سیاسی است. هورتون و کولی<sup>۲</sup> تعلق به گروه و تأثیرپذیری از آن را زمینه‌ساز کنش سیاسی افراد می‌دانند. آن‌ها نه به‌دلیل افکار خود بلکه بر اساس معیارهای دوستان و خانواده به فعالیت سیاسی مبادرت می‌ورزند. لذا افراد آن‌گونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۷). سرمایه اجتماعی نیز از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی است. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهد نوعی همبستگی مثبت میان این دو پدیده وجود دارد. سرمایه اجتماعی ضمن تعدیل روابط، به بهبود انسجام، همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آن‌ها با دولت می‌شود (شوهانی و شوهانی، ۱۳۹۸: ۸۳). سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است که به‌عنوان ارزش و منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی، مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری غیررسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷: ۱۱۷). سرمایه اجتماعی به‌منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند. ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پانام شامل وجود مجموعه‌ای مترام از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی، سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی، هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آن‌ها یکدیگر را به‌لحاظ

شخصی می‌شناسند یا خیر، می‌باشد (سعادت، ۱۳۸۵: ۲۰۳). بنابراین سرمایه اجتماعی بر کیفیت مشارکت سیاسی مؤثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

در مجموع مشارکت شهروندان که بارزترین جلوه آن انتخابات است، به‌عنوان مؤثرترین بازیگران فضا در فرایندهای سیاسی از عمده دل‌مشغولی‌های اندیشمندان جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌رود. مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، نگرش سیاسی است که با کارکردهای ساختاری زیرسیستم‌های اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد. کمیت و کیفیت مشارکت انتخاباتی مردم می‌تواند میزان مشروعیت، کارآمدی نظام سیاسی و مقبولیت کارگزاران سیاسی را نشان دهد. اعتماد میان دولت و ملت موجب تعامل بیشتر و بهتر و افزایش مشارکت سیاسی مردم و کارایی نهادهای سیاسی می‌شود (هوشنگی و جعفرپور، ۱۳۹۱: ۶۱). شناخت رفتار شهروندان و الگوی شرکت در انتخابات برای احزاب، سیاستمداران و دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مشارکت گسترده و فراگیر جامعه به‌منزله پستوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار کشور در سطح بین‌المللی و منطقه است.

از آنجاکه شناسایی متغیرهای اصلی اثرگذار بر تمایل شهروندان در مشارکت و نیز تعیین میزان و سهم اثرگذاری هر یک از این متغیرها بر متغیر وابسته تحقیق ضروری است، این پژوهش درصدد یافتن پاسخ این پرسش‌هاست که در شهرهای مورد مطالعه، مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات شهروندان از چه الگویی پیروی می‌کنند؟ همچنین تعامل و پیوند متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه آماری مورد مطالعه چگونه است؟

## ۲. بیان مسئله

انتخابات و رأی‌گیری به‌عنوان نماد مشارکت سیاسی می‌تواند توجه یا بی‌توجهی شهروندان در قبال یک وظیفه را نشان دهد. همچنین میزان نوسان در تعداد، نسبت آرای اخذشده در بازه یک دوره معین و افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد (فرهادی، ۱۳۷۲: ۴۴). از آنجاکه میزان مشارکت فراگیر و گسترده شهروندان در انتخابات یکی از شاخص‌های میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در بسیاری از کشورها و به‌منزله پستوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار در سطح بین‌المللی است و نیز با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی در ایجاد جامعه‌ای متعادل، هماهنگ، پویا و باثبات که در آن حکومت از تجربه‌ها و آرای همه اقشار جامعه برخوردار می‌شود، شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در انتخابات مانند مؤلفه‌های

جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برای پژوهشگران و سیاستمداران برخوردار است تا بدین وسیله زمینه ثبات سیاسی و استحکام نظام را فراهم آورند. آلموند<sup>۳</sup> و وربا<sup>۴</sup> جامعه‌پذیری سیاسی و رشد انتظارات حمایتی شهروندان را از راه‌های حفظ و بقای نظام و امری مداوم و تعیین‌کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه دانسته است (غفاری هاشجین، ۱۳۸۹: ۲۱۴). وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی در هر جامعه بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه است. هرچه این شبکه‌ها گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی غنی‌تر است. سرمایه اجتماعی مبتنی بر مشارکت، انسجام، اعتماد و آگاهی اجتماعی، توانایی سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه برای رفع مشکلات عمومی جامعه است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰). تاجیک و جعفری معتقدند که سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مؤثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴). به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (Putnam, 2000: 65).

به‌رغم برگزاری انتخابات مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین مقالات متعدد در خصوص مشارکت سیاسی و علل و انگیزه‌های آن، تاکنون درباره مشارکت در انتخابات و تحلیل الگوهای فضایی<sup>۵</sup> در منطقه کاشان و آران و بیدگل بررسی و پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. مطالعه موقعیت و ویژگی‌های یک مکان یا منطقه جغرافیایی به ما کمک می‌کند تا تصویر بهتری از آن داشته باشیم. این موضوع به درک بهتر این مسئله که یک مکان یا منطقه جغرافیایی تا چه اندازه قدرت دارد و چه کارکرد و نقش‌هایی را در زمینه مسائل سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی می‌تواند بازی کند، کمک خواهد کرد (احمدی‌پور و قادری حاجت، ۱۳۹۴: ۱۶۳). لذا با توجه به عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در آن بیش از پیش مشخص می‌گردد.

### ۳. مبانی نظری

مشارکت، حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و به‌طور کلی ابعاد مختلف حیات انسان است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). مشارکت، حضور آگاهانه، خلاق و متعهدانه اقشار مختلف در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و فعالیت در تشکلهای محلی و ملی و حرفه‌ای جامعه است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۲۵). در این پژوهش، به عوامل جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی پرداخته شده است. جامعه‌پذیری سیاسی، همچون فرایند

آموزش با انتقال هنجارها و رفتارهای پذیرفته‌شده نظام سیاسی مستقر از نسلی به نسل دیگر با هدف تربیت و پرورش افراد کارآمد مؤثر است (احمدپور ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸).

سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده‌ای همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی، همکاری و آگاهی ارتباط دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۹). سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته و هرکدام تقویت‌کننده دیگری است، از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی در سه بعد شناختی، ارتباطی و ساختاری بررسی شده است. بعد شناختی سرمایه اجتماعی، درخصوص مشارکت و اعتماد موجود در مجموعه و بعد ساختاری درباره تصمیم‌گیری، ساختارها و فعالیت‌های گروهی در جامعه و بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی، در مورد ارتباطات گروهی و برون‌گروهی، کیفیت و کمیت آن‌هاست.

مشارکت سیاسی مهم‌ترین نوع مشارکت جوامع می‌باشد و رابطه‌ای مستقیم با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و نشان‌دهنده نوع نظام سیاسی هر جامعه‌ای است. مشارکت سیاسی یعنی رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های مختلف جامعه سیاسی برای کسب قدرت، اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲) و به هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه برای احراز، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی و اثرگذاری در سیاست‌های عمومی و نهادهای سیاسی اشاره دارد.

#### ۴. پیشینه تحقیق

درخصوص الگوی فضایی مشارکت سیاسی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل با تأکید بر دو مؤلفه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی، به‌عنوان مسئله اصلی این پژوهش تاکنون معدود مطالعاتی صورت گرفته است. لذا در ذیل نتایج برخی از مطالعات مرتبط با موضوع کلی پژوهش یعنی متغیرهای اثرگذار بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ارائه می‌شود:

سیدامامی و عبدالمطلب (۱۳۸۸) در «پژوهش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس» به علل و انگیزه‌های شهروندان برای مشارکت در انتخابات پرداخته‌اند. در این پژوهش، عوامل انگیزشی و منابع اجتماعی مورد مذاقه قرار گرفته

است. از میزان عوامل انگیزشی، تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی، احساس تکلیف شرعی و از میان منابع اجتماعی، اعتماد سیاسی، علاقه‌مندی به سیاست، مهارت‌های مشارکتی و احساس اثربخشی سیاسی روابط معناداری با مشارکت انتخاباتی داشته‌اند.

خواج‌سروری و نوربخش (۱۳۹۷) «نحوه تأثیر رسانه‌های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی» را با هدف شناخت میزان و نوع مصرف رسانه‌ای و مشارکت سیاسی شهروندان با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) با شاخص‌هایی مانند شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها، تجمعات سیاسی، تبلیغ برای احزاب، گفت‌وگو با دیگران در حوزه مسائل سیاسی، پیگیری اخبار سیاسی، ارتباط معناداری وجود دارد و تأثیر رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان مستقیم بوده است. باقری و همکاران (۱۳۹۸) در «بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری» ضمن تأیید تأثیر طبقه اجتماعی و قومیت بر جامعه‌پذیری سیاسی، رابطه عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، سن، قومیت و طبقه اجتماعی با مشارکت سیاسی را معنادار می‌داند.

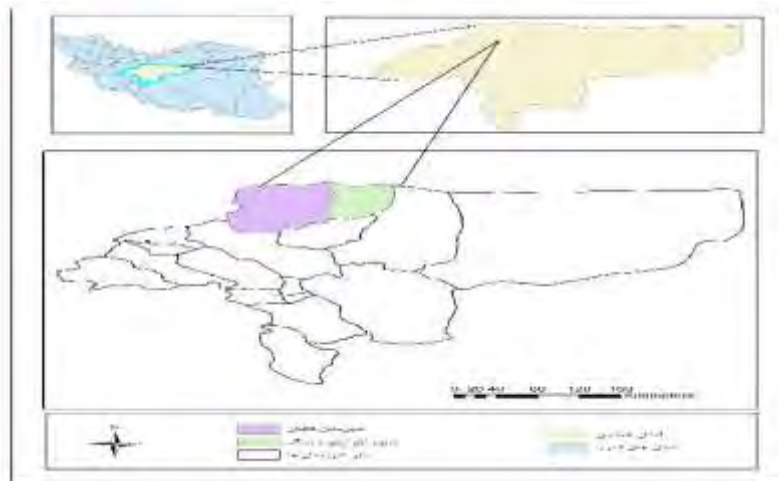
لیپست<sup>۶</sup> (۱۹۷۶) در اثر خود به نام مرد سیاسی، با استفاده از یافته‌های آماری درخصوص ویژگی‌های اجتماعی رأی‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های سیاسی و طبقه‌بندی آن‌ها به دو گروه (مشارکت‌بالا و مشارکت‌پایین) به تدوین قواعد آن در زمینه علل شرکت در انتخابات می‌پردازد. عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مورد بررسی لیپست عبارت است از: سن، درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل و عضویت در سازمان‌ها. یوگوا و مگبو (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی در نیجریه که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه انجام شده است، نتیجه می‌گیرند که بین متغیرهای سن و پایگاه اجتماعی اقتصادی، جنسیت، فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی در نیجریه، رابطه معناداری وجود دارد. هانگ و کولین (۲۰۱۷) در پژوهش تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی در مشارکت سیاسی جوانان سنگاپور نتیجه می‌گیرند که جامعه‌پذیری سیاسی از طریق خانواده و گروه دوستان بر انواع مشارکت سیاسی رابطه معناداری داشته است (Hong and Colin, 2017: 50).

اسکورینگ و همکاریانش (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» نشان می‌دهند شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد. سو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، با در نظر گرفتن توسعه ملی، اقتصادی، سیاسی و نابرابری اقتصادی بر آن است تا همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی و روابط میان متغیرها در سطح کلان مانند توسعه سیاسی و اقتصادی، نابرابری را نشان دهد. نتایج تحقیق مبین آن است که سرمایه اجتماعی که از شاخص‌های عمومی اعتماد، اطمینان به دولت و مشارکت عمومی است، با مشارکت سیاسی ارتباط دارد.

به‌رحال اکثر پژوهشگران این حوزه با رویکرد جامعه‌شناختی به ابعاد گوناگون مشارکت سیاسی و عوامل مختلف مؤثر بر آن پرداخته‌اند. این پژوهش درصدد است با رویکرد جغرافیای سیاسی و با بهره‌گیری از نتایج مطالعات رویکردهای مختلف، ضمن بررسی جامعه مورد هدف، به تبیین الگوی فضایی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهرهای کاشان و آران و بیدگل مورد نظر بپردازد.

## ۵. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی<sup>۷</sup> است و برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است. با توجه به زمان انجام پژوهش و محاسبه حداقل سنی شهروندان که در آخرین انتخابات ریاست جمهوری (۱۴۰۰) شرکت داشته‌اند، سنین ۲۱ سال به بالای شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. بر این اساس واحد تحلیل در پژوهش حاضر «فرد» می‌باشد و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حجم نمونه ۸۷۰ نفر در نظر گرفته شد که به نسبت جمعیت حدود یک‌سوم پرسش‌نامه‌ها در شهر آران و بیدگل و دوسوم آن در شهر کاشان توزیع گردید که از این تعداد ۸۳۴ پرسش‌نامه دریافت شد و مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS<sup>۲۳</sup> استفاده شده است. به‌منظور بررسی و تعیین اعتبار و روایی مقیاس‌های پرسش‌نامه از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است.



نمودار ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. یافته‌های توصیفی

در این بخش یافته‌های توصیفی پژوهش شامل مشخصات فردی و توزیع متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده است.

#### الف. مشخصات فردی

در این بخش هریک از مشخصات فردی پاسخ‌گویان در قالب جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع درصدی پاسخ‌گویان بر مبنای مشخصات فردی

| محل سکونت    | اشتغال |       | تحصیلات |               | تأهل           |       | سن   |       | جنس    |      | مشخصات |      |
|--------------|--------|-------|---------|---------------|----------------|-------|------|-------|--------|------|--------|------|
|              | کاشان  | بیکار | شاغل    | دیپلم به بالا | دیپلم به پایین | متأهل | مجرد | حداقل | حداکثر | مرد  |        | زن   |
| آران و بیدگل | ۷۴/۵   | ۴۹/۳  | ۵۰/۸    | ۵۲/۳          | ۴۷/۷           | ۵۸/۷  | ۴۱/۳ | ۷۵    | ۲۱     | ۴۸/۴ | ۵۱/۶   | درصد |

بر اساس یافته‌های جدول فوق، ۴۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۵۱/۶ درصد زن هستند. حداقل سن پاسخ‌گویان مورد بررسی ۲۱ و حداکثر سن آنان ۷۵ سال است. در مجموع، میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۱/۵۱ با انحراف معیار ۱۰/۸۱ بوده است. همچنین یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد ۴۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۵۸/۷ درصد از آنان متأهل هستند. سطح تحصیلات ۵۲/۳ درصد بالای فوق‌دیپلم هستند که به‌طور تفصیلی، ۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان بی‌سواد یا



ابتدایی، ۱۲/۵ درصد سیکل، ۳۱/۹ درصد دیپلم، ۴۲/۲ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۸/۵ درصد فوق‌لیسانس و دکتری هستند. ۱/۶ درصد از آنان نیز دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند. ۵۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان شاغل و ۴۹/۳ درصد غیرشاغل بوده‌اند. در نهایت اینکه بر اساس یافته‌های جدول، ۷۳/۱ درصد از پاسخ‌گویان ساکن شهر کاشان و ۲۵/۵ درصد ساکن شهر آران و بیدگل بوده‌اند.

### ب. سرمایه اجتماعی

در این پژوهش، برای سنجش سرمایه اجتماعی شهروندان مطابق نظریه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) در سه بعد شناختی، ارتباطی و ساختاری، از پرسش‌نامه اونیکس و بولن (۲۰۰۰) با اعمال تغییراتی برای سنجش در جامعه آماری استفاده شده است. این پرسش‌نامه حاوی ۳۴ سؤال است که سرمایه اجتماعی را در سه سطح شناختی (مشارکت، اعتماد، نگرش‌ها و تعهدات موجود در مجموعه) با ۱۰ سؤال، ساختاری (تصمیم‌گیری، ساختارها و فعالیت‌های گروهی در جامعه) با ۱۵ سؤال و ارتباطی (ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی، کمیت و کیفیت آن‌ها) با ۹ سؤال مورد سنجش قرار می‌دهد (رجبی گیلان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸). علاوه بر این، برای افزایش روایی و دقت در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از برخی گویه‌های پژوهش شیری و همکاران (۱۳۹۳: ۶۷ و ۶۸) نیز استفاده شده است. روایی این متغیر بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶۳ است.

جدول ۲: توزیع پراکندگی سرمایه اجتماعی شهروندان

| میزان سرمایه اجتماعی |       |      | میانگین توزیع پراکندگی |         |             |        |       |            |                        |
|----------------------|-------|------|------------------------|---------|-------------|--------|-------|------------|------------------------|
| زیاد                 | متوسط | کم   | انحراف معیار           | میانگین | دامنه تغییر | حداکثر | حداقل | تعداد گویه | شاخص مفهوم             |
| ۱۵/۷                 | ۵۷/۹  | ۲۶/۴ | ۴/۱۰                   | ۱۹/۳۸   | ۲۱          | ۳۰     | ۹     | ۱۰         | سرمایه اجتماعی شناختی  |
| ۳۴/۲                 | ۵۶/۶  | ۹/۲  | ۵/۳۱                   | ۳۲/۴۷   | ۲۷          | ۴۴     | ۱۷    | ۱۵         | سرمایه اجتماعی ساختاری |
| ۳۷/۴                 | ۴۸/۶  | ۱۴   | ۳/۳۳                   | ۱۹/۰۹   | ۱۹          | ۲۷     | ۸     | ۹          | سرمایه اجتماعی ارتباطی |
| ۲۹/۱                 | ۵۴/۳۶ | ۱۶/۵ |                        |         |             |        |       |            | جمع کل                 |

تبیین رابطه  
جامعه‌پذیری سیاسی  
و سرمایه اجتماعی با  
مشارکت سیاسی شهروندان

جدول ۳: میانگین متغیر سرمایه اجتماعی شهروندان به تفکیک شهرستان‌های مورد مطالعه

| میزان سرمایه اجتماعی |       |      | میانگین توزیع پراکندگی |         |                |       |                      |
|----------------------|-------|------|------------------------|---------|----------------|-------|----------------------|
| زیاد                 | متوسط | کم   | انحراف معیار           | میانگین | خطای استاندارد | تعداد | شاخص متغیر           |
| ۲۸/۷                 | ۵۳/۱  | ۱۸/۲ | ۱۰/۶۳۹۹۱               | ۷۰/۶۶۷۲ | ۴۳۰/۸۰         | ۶۱۰   | شهرستان کاشان        |
| ۳۱/۶                 | ۵۵    | ۱۳/۴ | ۹/۴۹۷۰۸                | ۷۱/۸۹۰۰ | ۶۵۶۹۳          | ۲۰۹   | شهرستان آران و بیدگل |

طبق جدول فوق سرمایه اجتماعی در حد زیاد شهرستان کاشان ۲۸/۷ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۳۱/۶ درصد است. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی در شهرستان کاشان ۷۰/۶ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۷۱/۸ درصد می‌باشد که با ۱/۲ درصد سرمایه اجتماعی بیشتر، بالاتر از کاشان قرار گرفته است.

### ج. جامعه‌پذیری سیاسی

متغیر جامعه‌پذیری سیاسی با استفاده از ۱۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مجموع گویه‌ها و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان جامعه‌پذیری سیاسی مجموع شهروندان دو شهر به دست آمده است. روایی این متغیر بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۴۱ است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی میزان جامعه‌پذیری سیاسی

| درصد | فراوانی | موارد   |
|------|---------|---------|
| ۲۷/۳ | ۲۲۸     | کم      |
| ۴۶/۸ | ۳۹۰     | متوسط   |
| ۲۵/۸ | ۲۱۵     | زیاد    |
| ۰/۱  | ۱       | بی‌پاسخ |
| ۱۰۰  | ۸۳۴     | جمع     |

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان جامعه‌پذیری سیاسی ۲۷/۳ درصد از شهروندان در حد کم، ۴۶/۸ درصد در حد متوسط و ۲۵/۸ درصد در حد زیاد است. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان،

میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان جامعه‌پذیری متوسط به میزان ۱۷/۶ درصد و جامعه‌پذیری سیاسی زیاد به میزان ۲۶/۹ درصد است.

در مجموع، همبستگی بین دو متغیر جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $r=0/344$  و  $sig=0/000$  مورد تأیید قرار گرفته است. لذا با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی داشته و از ۷۲/۲ درصد به ۲۶/۹ درصد در حد زیاد می‌رسد که رشد بیش از ۳/۷ درصدی را شاهد هستیم. بنابراین با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی دارد. در جدول زیر میانگین جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان دو شهرستان نشان داده شده است.

جدول ۵: میانگین جامعه‌پذیری سیاسی دو شهرستان

| خطای استاندارد میانگین | انحراف معیار | میانگین | تعداد | شهر          | متغیر      |
|------------------------|--------------|---------|-------|--------------|------------|
| ۳۰۶۱۸                  | ۷/۵۶۲۰۰      | ۳۶/۵۹۵۱ | ۶۱۰   | کاشان        | جامع‌پذیری |
| ۴۹۹۳۶                  | ۷/۲۰۱۴۸      | ۳۷/۲۲۶۰ | ۲۰۸   | آران و بیدگل | سیاسی      |

بر اساس یافته‌های جدول، میزان جامعه‌پذیری شهروندان کاشان ۳۶/۵ درصد و بین شهروندان آران و بیدگل ۳۷/۲ درصد است. بنابراین شهروندان آران و بیدگل از جامعه‌پذیری بیشتری نسبت به شهروندان کاشان برخوردارند.

#### د. مشارکت سیاسی

در این پژوهش مشارکت سیاسی شهروندان با توجه به مجموع گویه‌های سنجش مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار گرفته و توزیع پراکندگی این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶: توزیع پراکندگی مشارکت سیاسی

| شاخص         | تعداد | حداقل | حداکثر | دامنه تغییر | میانگین | انحراف معیار |
|--------------|-------|-------|--------|-------------|---------|--------------|
| مفهوم        | گویه  | ۱۴    | ۵۶     | ۴۲          | ۲۶/۱۲   | ۹/۱۳         |
| مشارکت سیاسی |       |       |        |             |         |              |

جدول فوق بیانگر این امر است که مشارکت سیاسی شهروندان با استفاده از ۱۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین نمرات پاسخ‌گویان در این متغیر ۲۶/۱۲ و انحراف معیار آن ۹/۱۳ می‌باشد، به گونه‌ای که کرانه پایین نمرات ۱۴، کرانه بالای آن ۵۶ و دامنه تغییر نمرات در

جامعه آماری مورد بررسی ۴۲ می‌باشد. با توجه به مجموع گویه‌های فوق و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان مشارکت سیاسی شهروندان به دست آمده است.

جدول ۷: توزیع فراوانی و درصدی میزان مشارکت سیاسی

| موارد   | فراوانی | درصد |
|---------|---------|------|
| کم      | ۴۰۰     | ۴۸   |
| متوسط   | ۲۸۱     | ۳۳/۷ |
| زیاد    | ۱۴۱     | ۱۶/۹ |
| بی‌پاسخ | ۱۲      | ۱/۴  |
| جمع     | ۸۳۴     | ۱۰۰  |

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت سیاسی ۴۸/۷ درصد از شهروندان در حد کم، ۳۴/۲ درصد در حد متوسط و ۱۷/۲ درصد در حد زیاد است. همچنین میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان ساکن در شهر کاشان ۱۳/۹ درصد است. این میزان در بین شهروندان ساکن در آران و بیدگل به ۲۵/۹ درصد افزایش یافته است. متقابلاً میزان مشارکت سیاسی کم در بین شهروندان کاشانی با ۵۴ درصد بیش از شهروندان آران و بیدگلی با ۳۲/۸ درصد است.

جدول ۸: میزان مشارکت سیاسی شهروندان بر مبنای محل سکونت

| جمع | مشارکت سیاسی |       |      | محل سکونت            |
|-----|--------------|-------|------|----------------------|
|     | زیاد         | متوسط | کم   |                      |
| ۶۰۶ | ۸۴           | ۱۹۵   | ۳۲۷  | فراوانی کاشان        |
| ۱۰۰ | ۱۳/۹         | ۳۲/۲  | ۵۴   | درصد                 |
| ۲۰۱ | ۵۲           | ۸۳    | ۶۶   | فراوانی آران و بیدگل |
| ۱۰۰ | ۲۵/۹         | ۴۱/۳  | ۳۲/۸ | درصد                 |
| ۸۰۷ | ۱۳۶          | ۲۷۸   | ۳۹۳  | فراوانی جمع          |
| ۱۰۰ | ۱۶/۹         | ۳۴/۴  | ۴۸/۷ | درصد                 |

## ۲-۶. یافته‌های تحلیلی

در این بخش یافته‌های تحلیلی در قالب آزمون t برای بررسی تفاوت میزان مشارکت سیاسی در بین دو حوزه فضایی و همچنین رابطه همبستگی بین متغیرها ارائه شده است. بر این مبنای اساس نتایج شاهد تفاوت میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان دو شهر هستیم. برای بررسی

معناداری این تفاوت از آزمون t استفاده شده است. نتایج این آزمون با مقدار t برابر با ۵.۱۸۹- و  $\text{sig}=0.000$  بیانگر تفاوت معنادار میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان این دو شهر است.

جدول ۹: نتایج آزمون t تفاوت مشارکت سیاسی در بین شهروندان کاشان و آران و بیدگل

| میانگین و انحراف                            | محل سکونت    |         | تعداد                       |            | میانگین  |               | انحراف معیار           |  |
|---|--------------|---------|-----------------------------|------------|----------|---------------|------------------------|--|
|   | کاشان        |         | ۶۰۶                         |            | ۲۵/۱۲۷۱  |               | ۸/۸۷۶۸۶                |  |
| سیاسی                                       | آران و بیدگل |         | ۲۰۱                         |            | ۲۸/۹۰۰۵  |               | ۹/۱۰۵۵۰                |  |
| در بین شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل | آزمون لون    |         | برای برابری میانگین t آزمون |            |          |               |                        |  |
| نتایج آزمون t                               | خروجی f      | میانگین | خروجی t                     | درجه آزادی | معناداری | تفاوت میانگین | خطای استاندارد میانگین |  |
|   |              |         |                             |            |          |               |                        |  |
| برابری واریانس‌ها                           | ۳۹۵/         | ۵۳۰/    | ۵/۱۸۹-                      | ۸۰۵        | ۰۰۰۰     | ۳/۷۷۳۴۳-      | ۷/۲۷۲۱                 |  |
| عدم برابری واریانس‌ها                       |              |         | ۵/۱۳۳-                      | ۹۶۵/۱۳۳۴   | ۰۰۰۰     | ۳/۷۷۳۴۳-      | ۷/۳۶۵۶                 |  |

در جدول زیر رابطه بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت سیاسی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۶۷/۷ درصد از شهروندانی که میزان جامعه‌پذیری سیاسی در حد کم داشته‌اند، از میزان مشارکت سیاسی در حد پایینی نیز برخوردارند، ۲۵/۱ درصد دارای مشارکت سیاسی در حد متوسط و ۷/۲ درصد از شهروندان با میزان جامعه‌پذیری کم از میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد برخوردار می‌باشند. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان جامعه‌پذیری متوسط به میزان ۱۷/۶ درصد و جامعه‌پذیری سیاسی زیاد به میزان ۲۶/۹ درصد می‌باشد. در مجموع، همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $I=0/344$  و  $\text{sig}=0/000$  مورد تأیید قرار گرفته است.

آلموند و وربا جامعه‌پذیری سیاسی و رشد انتظارات حمایتی شهروندان را از راه‌های حفظ و بقای نظام و امری مداوم و تعیین‌کننده می‌دانند. اولسون نیز بر نقش جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت تأکید دارد. یافته‌های تحقیق نشانی می‌دهد که در جامعه‌پذیری کم، مشارکت سیاسی

شهروندان به کمترین میزان ۷/۲ درصد می‌رسد و برعکس مشارکت سیاسی در حد کم، بالاترین درصد به میزان ۶۷/۷ را به خود اختصاص داده است. لذا با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی داشته و از ۷/۲ درصد به ۲۶/۹ درصد در حد زیاد می‌رسد که رشد بیش از ۳/۷ درصدی را شاهدیم. بنابراین با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۱۰: رابطه بین جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

| مشارکت سیاسی |       |      | متغیرها           |                   |
|--------------|-------|------|-------------------|-------------------|
| زیاد         | متوسط | کم   | کم                | سرمایه اجتماعی    |
| ۱۳/۴         | ۲۶/۱  | ۶۰/۶ | کم                | جامعه‌پذیری سیاسی |
| ۷/۲          | ۲۵/۱  | ۶۷/۷ |                   | سرمایه اجتماعی    |
| ۱۵/۲         | ۳۳/۶  | ۵۱/۲ | متوسط             | جامعه‌پذیری سیاسی |
| ۱۷/۶         | ۳۴/۱  | ۴۸/۳ |                   | سرمایه اجتماعی    |
| ۲۳           | ۴۰/۲  | ۳۶/۸ | زیاد              | جامعه‌پذیری سیاسی |
| ۲۶/۹         | ۴۳/۹  | ۲۹/۲ |                   | سرمایه اجتماعی    |
| ۱۷/۲         | ۳۳/۳  | ۴۹/۵ | سرمایه اجتماعی    | جمع               |
| ۱۷/۲         | ۳۴/۳  | ۴۸/۴ | جامعه‌پذیری سیاسی |                   |

بر اساس نتایج تحقیق، کمترین میزان مشارکت سیاسی در حد بالا در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی در حد کم است. متقابلاً بالاترین میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی در حد زیاد مشاهده می‌گردد؛ به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندانی که از میزان سرمایه اجتماعی در سطح کم برخوردار بوده‌اند، به میزان ۱۳/۴ درصد است. با افزایش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان، میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش می‌یابد. میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی متوسط به میزان ۱۵/۲ درصد و سرمایه اجتماعی زیاد به میزان ۲۳ درصد افزایش یافته است. در مجموع، همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با  $I=0/195$  و  $(sig=0/000)$  مورد تأیید قرار گرفته است.

در پژوهش تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل، وجود همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی

شهروندان با میزان مشارکت سیاسی را مورد تأیید قرار داده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۵). درخصوص رابطه بین سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آنان نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در حد زیاد با ۱۳/۴ درصد در راستای سرمایه اجتماعی در حد کم قرار می‌گیرد و هرچه سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و از ۱۳/۴ در حد کم سرمایه اجتماعی به ۲۳ درصد در حد زیاد سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین مشارکت سیاسی در حد متوسط نیز با افزایش سرمایه اجتماعی، روند صعودی داشته و از ۲۶/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد افزایش می‌رسد. لذا وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان را معنادار و فرضیه پژوهش را تأیید می‌نماید.

## ۷. نتیجه‌گیری

در هر جامعه‌ای، دلایل متفاوت شهروندان برای مشارکت سیاسی یا عدم مشارکت وجود دارد و جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نیست. تحلیل فضایی انتخابات علاوه بر کمک به شناخت دقیق‌تر عوامل و زمینه‌های تأثیرگذار بر آراء، دیدگاه فضایی خاصی را ارائه می‌کند که طی آن مشخص می‌شود هر منطقه چه نوع رویکردی به انتخابات داشته‌اند (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۷۵). تحلیل درست عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، به شناخت رویکردها و نگرش‌های علمی و بهره‌گیری از ابزارهای فنی نیازمند است و نمی‌توان با استفاده از شیوه‌های سنتی و نگاه تک‌بعدی صرفاً به یک حوزه، به نتیجه مطلوب دست یافت. انتخابات یک سنجه خوب برای تغییرات اجتماعی است؛ زیرا مستقیماً بخش بزرگ‌تری از جمعیت را در مقایسه با دیگر آزمایش‌های افکار عمومی درگیر می‌کند. انتخابات از مؤلفه‌های اصلی مشارکت همگانی، همراه با احساس مسئولیت شهروندان در اداره کشور است. لذا بررسی لایه‌های اجتماعی انتخابات و فهم اینکه افراد، گروه‌ها و اقشار اجتماعی چه رفتاری در انتخابات بروز می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. قشر جوان که گاه به‌عنوان نسل ایکس از آن‌ها یاد می‌شود، شبکه‌های اجتماعی، رأی اولی‌ها، مناطق روستایی و شهری همه و همه دارای نقش مهمی در بحث مشارکت سیاسی و انتخابات هستند. در ارتباط با الگوی فضایی مشارکت سیاسی انتخاباتی، رویکردهای نظری متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. از این بین می‌توان به نظریه هویت حزبی، نظریه ایدئولوژی مسلط، اثربخشی سیاسی، نظریه هزینه فایده (دال)، سلسله‌مراتب نیازها (اینگلهارت)، مکتب شیکاگو، طبقه اجتماعی، عوامل فردی دخیل در رأی‌دهی اشاره کرد.

شناسایی عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی، این امکان را به برنامه‌ریزان سیستم سیاسی می‌دهد تا با حذف عوامل کاهش‌دهنده و ایجاد و توسعه عوامل مثبت در میزان مشارکت سیاسی، زمینه ثبات سیاسی و استحکام سیستم را فراهم آورند.

جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، در دولت‌های توسعه‌نیافته، خیلی جدی گرفته نشده، به‌ویژه نقش و تأثیرات سیاسی آن مورد غفلت بیشتری واقع شده است. این در حالی است که امروزه سرمایه اجتماعی در مقوله توسعه بسیار مورد توجه دانشمندان و نخبگان سیاسی است. مشارکت تحقق نمی‌یابد، مگر با تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد (شوهانی و شوهانی، ۱۳۹۸: ۳). سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی نقش اساسی بر شرکت مردم در انتخابات دارند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به هر میزان که بر جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی جامعه افزوده شود، بر میزان مشارکت شهروندان افزوده خواهد شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد شهروندانی که از میزان جامعه‌پذیری سیاسی در حد کم برخوردار بوده‌اند، دارای میزان مشارکت سیاسی در حد پایینی هستند. دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی، میزان مشارکت سیاسی افزایش یافته است. همچنین هرچه سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و از ۱۳/۴ در حد کم به ۲۳ درصد در حد زیاد سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین مشارکت سیاسی در حد متوسط نیز با افزایش سرمایه اجتماعی، روند صعودی داشته و از ۲۶/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد افزایش می‌رسد. لذا وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان را معنادار و فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. در مجموع بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت سیاسی ۵۱/۴ درصد از شهروندان در حد متوسط و زیاد است. از منظر مطالعه تطبیقی یافته‌های پژوهش بین دو شهر کاشان و آران و بیدگل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی بین این دو شهرستان به ترتیب ۷۰/۶ و ۷۱/۸، ۳۶/۵ و ۳۷/۲، ۲۵/۱ و ۲۸/۹ درصد می‌باشد که در مجموع بیان‌کننده این است که شهر آران و بیدگل دارای مشارکت سیاسی بالاتر است.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                  |                                 |           |
|------------------|---------------------------------|-----------|
| 1. Participation | 2. Horton and Gypsy             | 3. Almond |
| 4. Verba         | 5. Analysis of spatial patterns | 6. Lipst  |



## 7. Survey

## منابع

۱. احمدپور ترکمانی، بابک، ازکیا، مصطفی، و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهر تهران»، *مجله جهان رسانه*، دوره ۱۳، شماره ۱: ۹۲-۶۶.
۲. احمدی‌پور، زهرا، و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴)، *ساماندهی و آمایش سیاسی فضای شهری*، چ ۱، تهران: سمت.
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی توسعه*، چ ۲، تهران: انتشارات کلمه.
۴. امام جمعه‌زاده، سید جواد، رهبر قاضی، محمودرضا، عیسی‌نژاد، مرید، و مرندی، زهره (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۴: ۳۳-۷.
۵. باقری، معصومه، حسین‌زاده، علی حسین، و شجاعی، حسن (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز با رویکرد الگوسازی معادله ساختاری»، *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال چهاردهم، شماره ۴۹: ۸۵-۵۵.
۶. تاجبخش، کیان، و پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، بی‌جا: انتشارات شیرازه.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، *جامعه ملنی و توسعه سیاسی در ایران*، تهران: علوم نوین.
۸. تاجیک، محمدرضا، و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *فرهنگ اندیشه*، سال هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷: ۱۶۵-۱۹۵.
۹. حسن‌زاده، زهرا (۱۳۹۵)، *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان کاشان و آران و بیدگل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محسن نیازی و استاد مشاوره مهران سهراب‌زاده، دانشگاه کاشان، گروه جامعه‌شناسی.
۱۰. خواجه‌سروری، غلامرضا، و نوربخش، سیدمسعود (۱۳۹۷)، «نحوه تأثیر رسانه‌های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، *جستارهای معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره ۲: ۸۱-۵۵.
۱۱. رجبی‌گیلان، نادر، قاسمی، سید رامین، رشادت، سهیلا، و رجبی، سجاد (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در معلمان»، *فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، دوره ۲۱، شماره ۸۸: ۱۰۷-۹۵.
۱۲. رنانی، محسن، و مویدفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران»، *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، دوره ۲۱، شماره ۲ و ۳ (۱۷۳۵-۱۷۱۹): ۷۹-۱۰۶.
۱۳. زرقانی، سیدهادی، و رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل الگوی فضایی پراکنش آراء در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری»، *فصلنامه ژئوپلتیک*، سال دوازدهم، شماره ۲: ۱۰۴-۷۳.

۱۴. سروش، مریم، و حسینی، مریم (۱۳۹۲)، «نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی، بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز»، *نشریه علوم اجتماعی*، سال دهم، شماره ۲: ۹۳-۱۲۶.
۱۵. سعادت، رحمان (۱۳۸۵)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، دوره ۶، شماره ۲۳: ۱۷۳-۱۹۶.
۱۶. سیدامامی، کاووس، و عبدالمطلب، عبدالله (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۴: ۱۰۹-۱۴۶.
۱۷. شوهانی، احمد، و شوهانی، نادر (۱۳۹۸)، «سنجش و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم؛ مطالعه موردی: شهر ایلام»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره ۴: ۲۵۱-۲۵۱.
۱۸. شیرینی، نعمت‌الله، خوش‌مرام، مژگان، رستمی، فرحناز، و میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «نقش سرمایه اجتماعی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی»، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، دوره ۴، شماره ۶: ۵۷-۸۳.
۱۹. غفاری هنجین، زاهد، بیگی‌نیا، عبدالرضا، و تصمیم‌قطعی، اکرم (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *مجله دانش سیاسی*، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲): ۲۰۷-۲۴۰.
۲۰. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «فرهنگ یاریگری در ایران؛ درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون»، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاه.
۲۱. فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، چ ۱، تهران: کویر.
۲۲. هاشمی، سیدضیاء، فولادیان، مجید، و فاطمی‌امین، زینب (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷): ۱۹۹-۲۲۶.
۲۳. هوشنگی، حمید، و جعفرپور، رشید (۱۳۹۱)، «ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۲، شماره ۲: ۶۱-۷۵.
24. Hong, Yahhuei, and Colin, Trisha T. (2017), "The impact of political socialization on people's online and offline political participation – taking the youth of singapore as an example, advances", *Journalism and Communication*, No. 5: 30-70.
25. Lipset, Seymour Martin (1976), *Political Man*, Heinemann Educational Book Ltd, Eighth Published in Great Britain.
26. Nahapiet, J., and Ghoshal, S. (1998), "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage", *Academy of Management Review*, Vol. 23, No. 2: 242-266.
27. Putnam, R. (2000), *Bowling Alone: the Collapse and Revival of American Community* simon and Schuster, New York : Simon & Schuster, Social capital Gateway, <http://bowlingalone.com/> Twitter logo Facebook logo.
28. Skoric, Marko M., and Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer- Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2: 414-433
29. Suh, Hyungjun (2020), *Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political Development, and Economic Inequality*. University of Arizona.
30. Ugwa, Oko and Mgbo, Oguud Felicia (2010), "The Impact Of Political Sociolization on Political Participation a Nigerian View", *Continental Journal Social Sciences*, Vol. 3: 44-49.